

Public Organizations Management *Open Access*

Vol. 13(-), (Series -): - / 2025

 <https://doi.org/->

E-ISSN: 2538-600X

P-ISSN: 2322-522X

ORIGINAL ARTICLE

Identification and Formulation of the Components of the Evaluation System for the Development Programs of the Islamic Republic of Iran

Mohammad Hossein Haji Abadi¹, Majid Mokhtarianpour^{2*} , Ali Asghar Pourazat³ 

1. Ph.D Candidate, Department Public Administration, - Comparative and Development Management-, University of Tehran, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Public Administration, University of Tehran, Tehran, Iran.

3. Professor, Department of Public Administration, University of Tehran, Tehran, Iran.

*Correspondence

Majid Mokhtarianpour

E-mail:

mokhtarianpour@ut.ac.ir

Receive Date:

Revise Date:

Accept Date:

How to cite

Haji Abadi, M. H., Mokhtarianpour, M., & Pourazat, A.A. (2025) Identification and Formulation of the Components of the Evaluation System for the Development Programs of the Islamic Republic of Iran. *Public Organization Management*, 13(-), -

EXTENDED A B S T R A C

Development programs are widely regarded as engines of progress across nations; however, Iran's experience over more than seven decades reveals that failures in implementation have far outweighed successes. A central challenge lies in the absence of a systematic and comprehensive evaluation framework capable of assessing both goal attainment and program effectiveness. Without a coordinated and transparent system, the results and impacts of development initiatives remain undocumented, hindering evidence-based decision-making for future economic, social, and cultural reforms. This study was conducted with the aim of identifying and formulating the core components of an evaluation system for Iran's development programs. The research addresses the critical question of how effective elements and appropriate indicators can be designed to ensure that such programs operate more efficiently and are better aligned with the country's strategic objectives.

To achieve this aim, the study employed bibliometric analysis of research published between 1976 and early 2025, using VOSviewer software. The analysis categorized evaluation indicators into four major clusters: (1) transparency and good governance (including disclosure, independent oversight, governmental accountability, and anti-corruption measures); (2) analysis and technology (data-driven assessment, technological innovation, data mining, simulation, and online platforms); (3) participation and civil society (public involvement, social consensus, civic demands, and participatory monitoring); and (4) evaluation and policy-making (rigorous planning, alignment with higher-level policies, systematic evaluation processes, and integrative reporting).

The findings highlight the necessity of a structured evaluation system that strengthens accountability, enhances evidence-based governance, and brings development programs closer to achieving Iran's long-term national goals.

KEY WORDS

Development Program Evaluation, Economic Development, Social Development, Cultural Development, Text Mining.



Copyright © 2025, by the author (s). Published by Payame Noor University, Tehran, Iran.

This is an open access article under the CC BY (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

<https://ipom.journals.pnu.ac.ir/>

مدیریت سازمان های دولتی

سال سیزدهم، شماره ۱، پیاپی پنجاه و ۱ - ۱۴۰۴ (-)

 <https://doi.org/>

E-ISSN: 2538-600X

P-ISSN: 2322-522X

«مقاله پژوهشی-اکتشافی»

شناسایی و تدوین مؤلفه های سیستم ارزیابی برنامه های توسعه جمهوری اسلامی ایران

محمدحسین حاجی آبادی^۱، مجید مختاریان پور^{۲*}، علی اصغر پور عزت^۳

چکیده

برنامه های توسعه موتور محرک و پیشرفت در بسیاری از کشورها بوده است اما شواهد و بررسی ها در طول بیش از هفت دهه طراحی و اجرای برنامه های توسعه و عمرانی در ایران بیان گر این مهم است که در اجرای برنامه های توسعه، سهم شکست ها بسیار بیشتر از موفقیت ها بوده است این برنامه ها اغلب فاقد سیستم ارزیابی دقیق و جامع هستند که بتواند به طور مؤثر میزان تحقق اهداف و اثربخشی آن ها را مورد بررسی قرار دهد. عدم وجود یک سیستم منظم و هماهنگ برای ارزیابی این برنامه ها، موجب می شود که نتایج و دستاوردهای آن ها به طور شفاف و مستند قابل ارزیابی نباشد و از این رو تصمیم گیری های آتی برای بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور با چالش های زیادی روبه رو گردد. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف تدوین مؤلفه های سیستم ارزیابی برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران انجام شده است و به دنبال پاسخ به این مسئله است که چگونه می توان مؤلفه های مؤثر و شاخص های مناسب برای ارزیابی برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را شناسایی و تدوین کرد تا این برنامه ها به طور کارآمد و هدفمند به اهداف کلان کشور نزدیک تر شوند. به عبارت دیگر، این پژوهش به دنبال شناسایی عناصر سازنده ارزیابی برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است. به منظور دستیابی به این هدف، روند پژوهش های صورت گرفته از سال ۱۹۷۶ تا اوایل سال ۲۰۲۵ با استفاده از تحلیل کتاب سنجی و با کمک نرم افزار وس ویور مورد سنجش قرار گرفت. در این پژوهش، شاخص های ارزیابی برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مورد تحلیل قرار گرفت و در چهار خوشه شفافیت و حکمرانی خوب (شامل شفاف سازی، نظارت مستقل، شفافیت دولت مردان، جلوگیری از فساد و ناکارآمدی ها)، تحلیل و فناوری (تحلیل داده محور، نقش فناوری، داده کاوی، شبیه سازی و سامانه های آنلاین)، مشارکت و جامعه مدنی (نقش مردم، اجماع جامعه، مطالبه گری عمومی، نظارت مشارکتی) و ارزیابی و خط مشی گذاری (برنامه ریزی دقیق، سیاست های بالادستی، فرایند سیستماتیک ارزیابی، تدوین گزارش های تلفیقی) خوشه بندی شد.

واژه های کلیدی

ارزیابی برنامه های توسعه؛ توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی؛ توسعه فرهنگی؛ متن کاوی.

۱. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی -گرایش مدیریت توسعه و تطبیقی-، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۲. استادیار، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۳. استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

*نویسنده مسئول: مجید مختاریان پور
رایانامه:

mokhtarianpour@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۲۰

تاریخ پذیرش: -

استناد به این مقاله:

حاجی آبادی، محمدحسین؛ مختاریان پور،

مجید و پور عزت، علی اصغر (۱۴۰۴).

شناسایی و تدوین مؤلفه های سیستم

ارزیابی برنامه های توسعه جمهوری اسلامی

ایران. فصلنامه علمی مدیریت سازمان های

دولتی، ۱۳(-)، -.

حق انتشار این مستند، متعلق به نویسندگان آن است. © ۱۴۰۴ ناشر این مقاله، دانشگاه پیام نور است.

این مقاله تحت گواهی زیر منتشر شده و هر نوع استفاده غیرتجاری از آن مشروط بر استناد صحیح به مقاله و با رعایت شرایط مندرج در آدرس زیر مجاز است.



This is an open access article under the CC BY (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

<https://ipom.journals.pnu.ac.ir/>

مقدمه

برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ایران، به‌منزله اسناد راهبردی برای پیشبرد اهداف کلان کشور در زمینه‌های مختلف در نظر گرفته می‌شوند. این برنامه‌ها که به‌طور دوره‌ای هر پنج سال یک‌بار طراحی و اجرا می‌شوند، در راستای اسناد بالادستی و سند چشم‌انداز چارچوبی برای تعیین خط‌مشی‌های کلان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور فراهم می‌آورند (نورمحمدی و عرب‌مازار، ۱۳۹۵) و به‌عنوان نقشه راهی برای دستیابی به پیشرفت و عدالت اجتماعی محسوب می‌شوند. در بسیاری از مطالعه‌ها، برنامه توسعه، به مجموعه‌ای از مواد قانونی و اجرایی اطلاق می‌شود که با هدف ساماندهی و بهره‌برداری بهتر از ظرفیت‌های ملی به‌منظور دستیابی به اهداف توسعه عمومی کشور و ارتقای جایگاه آن در سطح جهانی طراحی شده است (ممدوحی، ۱۳۸۴). با این حال، یکی از چالش‌های اصلی مرتبط با این برنامه‌ها، میزان تحقق اهداف تعیین شده، کارآمدی سیاست‌های اجرایی و تأثیر آن‌ها بر شاخص‌های کلان توسعه است. علی‌رغم، تدوین و اجرای چندین برنامه توسعه از زمان انقلاب اسلامی تاکنون، ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از اهداف پیش‌بینی شده در این برنامه‌ها به‌طور کامل محقق نشده‌اند. بدون شک، برنامه‌ریزی در بسیاری از کشورها موجب پیشرفت شده است، اما تاریخ نشان می‌دهد که در اجرای برنامه‌های توسعه، شکست‌ها به‌مراتب بیشتر از موفقیت‌ها بوده است. در واقع، در میان کشورهای در حال توسعه، به نظر می‌رسد تنها تعداد معدودی از کشورها به‌طور مداوم در اجرای برنامه‌ها موفق بوده‌اند (مید، ۲۰۲۵). در این بین در کشور ایران نیز عواملی نظیر وابستگی اقتصاد به نفت، تحریم‌های بین‌المللی، نوسانات اقتصادی، ضعف در نظام برنامه‌ریزی، عدم هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی و چالش‌های مدیریتی از جمله موانع اصلی تحقق کامل برنامه‌های توسعه بوده‌اند (رضایی، ۱۳۹۴).

در حوزه اقتصادی، عدم تحقق رشد اقتصادی پایدار، استمرار نرخ بالای بیکاری و تورم و ناکامی در دستیابی به اهداف توسعه‌ای از جمله چالش‌های اساسی به شمار می‌روند که مانع پیشرفت کشور شده‌اند. در بُعد اجتماعی، نابرابری‌های منطقه‌ای، مشکلات ساختاری در نظام آموزش و سلامت و ناکارآمدی سیاست‌های رفاهی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر کیفیت زندگی شهروندان محسوب می‌شوند. در حوزه فرهنگی نیز، برنامه‌های تدوین شده در ایجاد تحولات بنیادین و ارتقای وضعیت فرهنگی جامعه ایران با موفقیت محدودی همراه بوده‌اند.

از منظر دیگر، داشتن یک برنامه‌ی زمانی می‌تواند نقش کلیدی در فرایند برنامه‌ریزی ایفا کند و مبنای منطقی خط‌مشی‌ها و اقدامات برنامه‌ریزی را به‌وضوح ارائه نماید. لذا یک تحول بزرگ در مدیریت بخش عمومی در حال وقوع است که به ارزیابی به‌عنوان یک جزء اساسی در فرایند مدیریت توسعه، به‌ویژه در خط‌مشی‌گذاری مبتنی بر شواهد، توجه بیشتری می‌کند (ایسا^۲، ۲۰۲۵).

نتایج ارزیابی‌ها به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین شواهدی به شمار می‌روند که خط‌مشی‌گذاران به‌طور معمول از آن‌ها بهره‌برداری می‌کنند. ارزیابی به‌عنوان فعالیتی سیستماتیک و در جهت بهبود در نظر گرفته می‌شود که هدف آن ارتقای عملکرد در آینده است. بسیاری از تحقیقات به اهمیت ارزیابی در خط‌مشی‌گذاری عمومی (سندرسون، ۲۰۰۲؛ سگون^۳، ۲۰۰۸؛ هد^۴، ۲۰۱۶؛ هلموت^۵، ۲۰۱۷)، به‌طور ویژه در زمینه برنامه‌ریزی (الیویرا و پینیو^۶، ۲۰۱۰؛ مولر و هرسپرگر^۷، ۲۰۱۵؛ گویداین و سیزنز^۸، ۲۰۱۸) اشاره کرده‌اند.

ارزیابی به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در حکمرانی خوب، به‌ویژه در راستای ایجاد شفافیت، شناخته می‌شود، اما تأثیر آن بسته به شرایط و بسترهای مختلف، متفاوت است (دالر-لارسن و بودو^۹، ۲۰۱۹). علاوه‌بر این، ارزیابی با ارائه اطلاعات به خط‌مشی‌گذاران، عموم مردم و سایر ذینفعان در مورد ارزش مداخلات سازمان‌های بخش عمومی، به حمایت از فرایند خط‌مشی‌گذاری کمک می‌کند (چوینارد^{۱۰}، ۲۰۱۳؛ کوزینز^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۴).

در حوزه برنامه‌های توسعه، ارزیابی می‌تواند به درک تأثیرات این برنامه‌ها کمک کند و به افزایش مشروعیت آن‌ها (الیویرا و پینیو، ۲۰۱۰؛ ۲۰۱۱) منجر شود. همچنین، این فرایند می‌تواند به یادگیری درس‌هایی که برای هدایت برنامه‌های آینده مفید هستند، کمک کند و توانمندی‌های لازم برای طراحی، اجرا و ارزیابی بهتر مداخلات را فراهم آورد (استی^{۱۲}، ۲۰۲۱؛ صالح^{۱۳} و همکاران، ۲۰۲۲؛ نورجانا^{۱۴} و همکاران، ۲۰۲۲).

2. Issa
3. Segone
4. Head
5. Hellmut
6. Oliveira and Pinho
7. Mueller and Hersperger
8. Guyadeen and Seasons
9. Dahler-Larsen and Boodhoo
10. Chouinard
11. Cousins
12. Esti
13. Saleh
14. Nurjanah

درک بهتری از چالش‌های پیشروی توسعه کشور داشته باشند، بلکه می‌تواند به اصلاح فرایندهای برنامه‌ریزی و تدوین اسناد راهبردی در آینده منجر شود.

بنابراین، ضروری است که رویکرد حاکم بر نظام برنامه‌ریزی کشور به‌دقت مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و آسیب‌های آن شناسایی شود. با این حال، ارزیابی دقیق و مؤثر این برنامه‌ها به‌عنوان یکی از چالش‌های اصلی پیش روی مدیران و تصمیم‌گیرندگان در حوزه توسعه مطرح است. محدودیت‌ها و پیچیدگی‌های موجود در این برنامه‌ها، نیازمند به‌کارگیری روش‌های نوین و هوشمندانه برای ارزیابی آن‌ها هستند (آقاسی‌زاده، ۱۴۰۱). اگر قرار است تحولی در نظام مدیریت توسعه کشور ایجاد شود، باید در برنامه‌های توسعه به‌وضوح نشان داده شود که این امر نیازمند بینش و بصیرتی است که بتواند تحقق اهداف و برنامه‌های توسعه را رصد و ارزیابی کند (کاشف مبارکه، ۱۴۰۳).

به‌طور کلی، می‌توان بیان کرد که در مطالعات انجام شده، ارزیابی دقیقی از برنامه‌های توسعه در ایران صورت نگرفته است و به‌تبع آن، یادگیری از شکست‌های برنامه‌های قبلی برای خطمشی‌گذاران اتفاق نیفتاده است (کمالی و همکاران، ۱۴۰۰). یکی از دلایل اصلی این ناکامی، فقدان یک الگوی جامع و مناسب برای ارزیابی برنامه‌های توسعه است.

پژوهش حاضر در مرحله نخست به بررسی نقش کلیدی مدل‌های ارزیابی برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برای افزایش بهره‌وری و انعطاف‌پذیری این برنامه‌ها می‌پردازد، در مرحله دوم به شناسایی عناصر سازنده ارزیابی برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با استفاده از ابزار تجزیه و تحلیل کتاب‌سنجی می‌پردازد و با کمک ابزار متن‌کاوی وینت^۱ به خوشه‌بندی شاخص‌های ارزیابی برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود. این الگو به مسئولان و تصمیم‌گیرندگان این امکان را می‌دهد تا به ارزیابی دقیق‌تری از عملکرد برنامه‌های توسعه بپردازند. لازم به ذکر است هدف شناسایی مؤلفه‌های سیستم ارزیابی برنامه‌های توسعه در جمهوری اسلامی ایران بوده است. اگرچه داده‌های اولیه از پایگاه‌های بین‌المللی مانند وب آو ساینس^۲ و اسکوپوس^۳ استخراج شده‌اند، اما تحلیل نهایی و خوشه‌بندی مؤلفه‌ها با تمرکز بر چارچوب نظری و نیازهای بومی ایران انجام شده است. به عبارت دیگر، این پژوهش با ترکیب روش‌های کتاب‌سنجی و

ارزیابی برنامه‌های توسعه در ایران بیان‌گر این مهم است که با وجود حجم بالای منابع انسانی، مالی و طبیعی صرف شده، اما دستاوردهای حاصل از آن‌ها قابل‌قبول نیست (نصری و حیدرپور، ۱۴۰۳). در عین پیشرفت‌های قابل‌توجهی که در بهره‌مندی از مزایای توسعه نسبت به گذشته به وجود آمده، فاصله ایران با کشورهای توسعه‌یافته و حتی اهداف و آرمان‌های ملی همچنان به میزان قابل‌توجهی کاهش نیافته است. علاوه بر این یکی از مشکلات اساسی در ارزیابی این برنامه‌ها، فقدان یک نظام کارآمد نظارتی و پایش مداوم شاخص‌های توسعه است. بسیاری از برنامه‌های توسعه با نگاه آرمان‌گرایانه تدوین شده‌اند و کمتر به اقتضائات اجرایی و واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی کشور توجه داشته‌اند (تیموری، ۱۴۰۲).

علاوه بر این، در برخی موارد، عدم شفافیت در خطمشی‌گذاری، تغییرات مکرر در راهبردهای اجرایی و فقدان یکپارچگی میان نهادهای مسئول باعث شده است که برنامه‌ها در مرحله اجرا با چالش‌های جدی مواجه شوند (گلدار و همکاران، ۱۳۹۶). بنابراین، ضرورت دارد که یک مدل جامع برای ارزیابی برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران طراحی و اجرا شود. این مدل باید براساس شاخص‌های دقیق و علمی، میزان تحقق اهداف توسعه‌ای را بررسی کرده و علل عدم موفقیت برخی سیاست‌ها را شناسایی کند. همچنین، بهره‌گیری از تجارب موفق کشورهای دیگر، به‌کارگیری ابزارهای نوین تحلیل داده و مشارکت بخش خصوصی و نهادهای دانشگاهی در فرایند ارزیابی می‌تواند به بهبود عملکرد برنامه‌های توسعه کمک کند.

در این پژوهش از روش متن‌کاوی، به‌عنوان یک ابزار آماری برای تحلیل داده‌های کیفی و متنی، برای استخراج الگوها و شاخص‌های مرتبط با برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران استفاده شده است. این روش این امکان را ایجاد می‌کند که از حجم زیادی از داده‌های متنی، الگوها و شاخص‌های کاربردی استخراج و آن‌ها را برای ارزیابی میزان تحقق اهداف توسعه‌ای استفاده کرد. روش‌های آماری مورد استفاده در متن‌کاوی شامل تجزیه و تحلیل فراوانی کلمات، خوشه‌بندی، تحلیل احساسات و شبیه‌سازی مدل‌های آماری هستند که به‌منظور شناسایی علل موفقیت یا شکست سیاست‌ها و برنامه‌ها استفاده شده‌اند. همچنین استفاده از متن‌کاوی برای بررسی و تحلیل برنامه‌های توسعه‌ای ایران ضروری است. این روش می‌تواند به شناسایی نواقص و شکاف‌های موجود در ارزیابی برنامه‌های گذشته کمک کرده و رویکردهای جدیدی را برای بهبود روندهای برنامه‌ریزی کشور ارائه دهد. این بررسی نه‌تنها به خطمشی‌گذاران و مدیران اجرایی کمک خواهد کرد تا

متن کاوی، به دنبال تطبیق یافته‌های جهانی با شرایط خاص ایران بوده است. در نهایت پژوهش‌گر به دنبال پاسخ به این سؤالات است که چه مؤلفه‌ها و شاخص‌های کلیدی می‌توانند از طریق تحلیل داده‌های متنی به‌عنوان ارکان اصلی سیستم ارزیابی برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران شناسایی شوند و این شاخص‌ها چگونه می‌توانند به بهبود عملکرد برنامه‌ها کمک کنند؟ چگونه می‌توان با استفاده از ابزارهای نوین تحلیل متنی، ارتباط بین مؤلفه‌های ارزیابی برنامه‌های توسعه ایران را کشف کرده و فرایندهای تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری را برای دستیابی به اهداف کلان توسعه‌ای کشور بهبود بخشید؟

مبانی نظری

در این بخش ابتدا به‌مرور مفاهیم اساسی و ادبیات پژوهش پرداخته می‌شود و سپس تحقیقات پیشین در این زمینه مرور می‌گردند.

توسعه

توسعه با در نظر گرفتن ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی یک مفهوم پیچیده و چندبعدی است (رانتا^۱، ۲۰۲۱). این مفهوم در ابتدا و در دیدگاه‌های سنتی به‌عنوان یک فرایند اقتصادی مطرح شد که هدف آن افزایش تولید ناخالص داخلی^۲ و درآمد سرانه، کاهش فقر و بهبود سطح زندگی مردم بود، اما با گذر زمان و تغییر در دیدگاه‌ها، توسعه به مفهومی وسیع‌تر و جامع‌تر تبدیل شد که شامل بهبودهای کیفی در زندگی انسان‌ها و جوامع نیز می‌شود.

سیبیرز^۳ (۱۹۷۹)، توسعه را به‌عنوان بهبود در کیفیت زندگی افراد توصیف می‌کند. سن^۴ (۱۹۹۹)، توسعه را به‌عنوان فرایندی که در آن مردم آزادی‌های بیشتری به دست می‌آورند، تعریف می‌کند.

طبق تعریف سازمان ملل متحد^۵ (۲۰۲۲)، توسعه فرایندی است که به افزایش رفاه انسانی، کاهش فقر و نابرابری‌ها و دستیابی به پایداری محیط‌زیستی کمک می‌کند. دیدگاه جدید، توسعه را به‌عنوان فرایندی چندبعدی می‌نگرد که در آن علاوه بر رشد اقتصادی، ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و محیط زیستی نیز مورد توجه قرار می‌گیرند. نظریه‌های توسعه به دنبال توضیح و تبیین فرایندهای توسعه‌ای و تعیین مسیرهایی برای رسیدن به

توسعه هستند (لرنر^۶، ۲۰۱۸). این نظریه‌ها در طول زمان با توجه به تغییرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سطح جهانی تکامل یافته‌اند و رویکردهای مختلفی را برای دستیابی به توسعه ارائه کرده‌اند (سن، ۱۹۹۹؛ سیبیرز، ۱۹۷۹؛ سازمان ملل متحد، ۲۰۲۲).

میلر^۷ (۲۰۲۵)، بیان می‌کند توسعه علاوه بر رشد اقتصادی باید دربرگیرنده توسعه اجتماعی و فرهنگی باشد؛ توسعه یک مفهوم ارزشی است و شامل رفاه، فرصت‌های شغلی و کاهش نابرابری در فرصت‌ها است (میلر، ۲۰۲۵). همچنین سن (۲۰۱۴)، توسعه را فرایندی با محوریت انسان و برابری و توانمندسازی او تعریف می‌کند که هدف آن گسترش آزادی‌های واقعی و ارتقای توانایی افراد برای داشتن زندگی‌های ارزشمند است. این رویکرد بر ایجاد فرصت‌های واقعی تأکید دارد و افراد را به‌عنوان عوامل تغییر با تأکید بر آزادی به‌عنوان هدف و ابزار توسعه توانمند می‌سازد.

ارزیابی

ارزیابی فرایندی منسجم و نظام‌مند برای سنجش و تحلیل عملکرد پروژه‌ها، برنامه‌ها یا سیاست‌ها با هدف دستیابی به اهداف مشخص است (استافل‌بیم و کارن^۸، ۲۰۲۴). بدون ارزیابی، برنامه‌ریزی چیزی جز یک رؤیا باقی نمی‌ماند و نمی‌تواند به‌عنوان یک استراتژی مؤثر عمل کند (ویتاکر^۹، ۲۰۲۵). در نبود ارزیابی، منابع به‌ناچار هدر می‌روند و اثربخشی سیاست‌ها کاهش می‌یابد (آلن^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۰). در دنیای امروز، دولت‌ها با فشارهای داخلی و خارجی متعددی برای بهبود برنامه‌های عمومی و ارتقای شفافیت و پاسخگویی مواجه هستند (میلن^{۱۱}، ۲۰۲۱). این فشارها از سوی ذینفعان مختلفی از جمله نهادهای توسعه‌ای، پارلمان‌ها، سازمان‌های غیردولتی و شهروندان اعمال می‌شوند، که هدف اصلی آن‌ها بهبود اثربخشی و پایداری نتایج برنامه‌ها است (تته^{۱۲} و همکاران، ۲۰۲۱).

ایجاد سیستم‌های نظارت و ارزیابی به‌عنوان «پایه چهارم حکمرانی» در کنار سیستم‌های منابع انسانی، مالی و مسئولیت‌پذیری، نقش کلیدی در ارتقای مدیریت عمومی دارد (ب نشیمی‌مانا^{۱۳} و همکاران، ۲۰۲۴). این سیستم‌ها اطلاعات لازم را برای پایش، ارزیابی و بازخورد به فرایندهای تصمیم‌گیری

1. Ranta
2. Gross Domestic Product (GDP)
3. Sears
4. Sen
5. United Nations

6. Lerner
7. Miller
8. Stufflebeam & Coryn
9. Whitacre
10. Allen
11. Meuleman
12. Tetteh
13. B Nshimiyimana

اتمام آن صورت گیرد. این فرایند به تحلیل علّی و شواهد مرتبط با موفقیت یا عدم موفقیت اهداف پرداخته و به‌طور خاص بر نتایج و تأثیرات تمرکز دارد (کِرزنر^۸، ۲۰۲۲). ارزیابی بر خلاف پایش که بیشتر به وضعیت کنونی می‌پردازد، به بررسی عواملی می‌پردازد که موجب تحقق یا عدم تحقق اهداف شده‌اند (اسکیوینگتون^۹ و همکاران، ۲۰۲۱).

ضرورت و اهمیت نظارت و ارزیابی در حکمرانی

نظارت و ارزیابی به‌عنوان منابعی برای جمع‌آوری دانش و اطلاعات، به خط‌مشی‌گذاران و مدیران کمک می‌کنند تا شواهد دقیقی در خصوص اثربخشی برنامه‌ها و خط‌مشی‌ها جمع‌آوری کنند. این سیستم‌ها علاوه بر افزایش شفافیت و مسئولیت‌پذیری در سازمان‌ها، موجب جلب حمایت عمومی و سیاسی نیز می‌شوند (محمود صالح و کاریا^{۱۰}، ۲۰۲۴). همچنین، فرایندهای نظارت و ارزیابی، می‌توانند به بهبود فرایندهای مدیریتی و ارتقای عملکرد سازمانی منجر شوند (دیکهات^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۴). این سیستم‌ها به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه که ممکن است با مشکلاتی در دسترسی به داده‌ها و منابع مواجه باشند، اهمیت ویژه‌ای دارند. به‌ویژه اینکه نظارت و ارزیابی می‌تواند ابزارهایی برای ارتقای شفافیت و بهبود سیاست‌گذاری باشد (اولویده^{۱۲} و همکاران، ۲۰۲۳).

پیشینه پژوهش

در حوزه ارزیابی برنامه‌های توسعه پژوهش‌های چندی در ایران و جهان صورت گرفته است که در این بخش به بررسی بخشی از مهم‌ترین این پژوهش‌ها می‌پردازیم:

و برنامه‌ریزی فراهم می‌کنند (میگای^۱، ۲۰۲۳). علاوه بر این، ارزیابی می‌تواند تأثیر سیاست‌ها را نشان دهد، پیشرفت را ردیابی کند و از تأکید صرف بر ورودی‌ها و خروجی‌ها به سمت تمرکز بر نتایج و اثرات حرکت کند (سالویا^۲ و همکاران، ۲۰۲۱). این امر به بهبود عملکرد سیستم‌های برنامه‌ریزی و جلب حمایت عمومی کمک می‌کند (دِکر^۳، ۲۰۲۴).

چالش‌ها و الزامات توسعه سیستم‌های ارزیابی

توسعه سیستم‌های نظارت و ارزیابی با چالش‌های سیاسی، سازمانی و فنی همراه است. این فرایند بیش از آنکه صرفاً فنی باشد، یک اقدام سیاسی و نهادی است که به تعهد بلندمدت، منابع کافی و هماهنگی میان ذینفعان نیاز دارد (آکپوکوه^۴ و همکاران، ۲۰۲۴). کشورهای در حال توسعه اغلب با موانعی چون محدودیت منابع، ضعف ساختارهای نهادی و کمبود ظرفیت‌های انسانی مواجه‌اند. با این حال، تجارب کشورهای توسعه‌یافته، به‌ویژه اعضای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، نشان می‌دهد که می‌توان از رویکردهای مختلف نظیر رویکردهای جامع یا ترکیبی برای ایجاد سیستم‌های نظارت و ارزیابی بهره برد (سالما و پیکالارگا^۵، ۲۰۲۴).

نظارت و ارزیابی در فرایند توسعه

نظارت و ارزیابی ابزارهای کلیدی در مدیریت پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای به شمار می‌روند. این دو فرایند به‌طور مستقیم بر کیفیت و کارآمدی خط‌مشی‌ها و مداخلات در سطوح مختلف حکمرانی تأثیر می‌گذارند (بروس^۶ و همکاران، ۲۰۲۵). نظارت به‌عنوان یک فعالیت مستمر و ارزیابی به‌عنوان یک فرایند سیستماتیک، در تسهیل تصمیم‌گیری و اصلاح مسیر برنامه‌ها نقش مهمی ایفا می‌کنند. پایش به‌عنوان فرایند جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات در زمان‌های مختلف و مطابق با شاخص‌های مشخص، به ارزیابی میزان پیشرفت در دستیابی به اهداف و استفاده از منابع تخصیص‌یافته می‌پردازد (ون دنبورگ^۷ و همکاران، ۲۰۲۳). در این راستا، پایش اطلاعات توصیفی در مورد وضعیت برنامه‌ها و پروژه‌ها را فراهم می‌آورد و آن‌ها را در زمان‌های مختلف با اهداف و نتایج پیش‌بینی‌شده مقایسه می‌کند. در مقابل، ارزیابی فرایند سنجش دقیق و سیستماتیک یک پروژه، برنامه یا سیاست است که می‌تواند در طول یا پس از

1. Migai
2. Salvia
3. Decker
4. Akpuokwe
5. Salama & Picalarga
6. Bruce
7. Van Den Burg

8. Kerzner
9. Skivington
10. Mahmoud Saleh & Karia
11. Dickhaut
12. Oloyede

جدول ۱. پیشینه پژوهش (در حوزه ارزیابی برنامه‌ها و توسعه)

عنوان	پژوهشگر	یافته‌ها و نتایج کلیدی
توسعه چارچوب‌های نظارت و ارزیابی	مارکویچ و پاتریک (۲۰۱۵)	رویکردی نظام‌مند برای طراحی و پیاده‌سازی چارچوب‌های مؤثر ارزیابی؛ تأکید بر تعریف اهداف، طراحی شاخص‌های معتبر و جمع‌آوری داده‌ها.
نظریه و عمل ارزیابی برنامه	مرتنز و ویلسون (۲۰۱۸)	ترکیب نظریه و عمل در ارزیابی؛ ارزیابی باید به عدالت اجتماعی، توانمندسازی و یادگیری نهادی توجه داشته باشد.
طراحی چارچوب ارزیابی برای برنامه‌های توسعه یکپارچه	شین و همکاران (۲۰۲۳)	ارائه چارچوبی برای ارزیابی برنامه‌های توسعه یکپارچه با بهره‌گیری از ابزارهای نقشه‌برداری و ماتریس ارزیابی؛ تأکید بر پایداری نتایج و هم‌افزایی بین بخشی.
ارزیابی سیاست و بهینه‌سازی مسیر برای توسعه باکیفیت ارزیابی ملی	یوفی لی (۲۰۲۳)	تحلیل ۱۴ خط‌مشی ارزیابی چین از ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۳ با استفاده از مدل PMC و تحلیل شبکه اجتماعی؛ پیشنهادها برای بهینه‌سازی سیاست‌ها و توسعه باکیفیت ارزیابی ملی.
پایش و ارزیابی پیچیدگی آگاه برنامه‌های توسعه	ویسنر و همکاران (۲۰۲۳)	معرفی چارچوب سه‌مرحله‌ای برای شناسایی اجزای کلیدی سیستم، تعیین تعاملات میان زیربخش‌ها و تحلیل چرخه‌های بازخورد و پیچیدگی در ارزیابی برنامه‌ها.
به‌سوی رویکردی سیستمی در ارزیابی توسعه ظرفیت ارزیابی	ویلیامز و همکاران (۲۰۲۴)	تأکید بر ترکیب دو بعد «توانمندی» و «قابلیت» در ارزیابی توسعه ظرفیت؛ شفاف‌سازی مرزهای سیستم ارزیابی و در نظر گرفتن دیدگاه‌های متنوع ذی‌نفعان برای ارتقای اعتبار و کارآمدی.
بازخورد مستمر عملکرد: بررسی اثرات محتوای بازخورد	جیاموس و همکاران (۲۰۲۴)	تأکید بر اهمیت بازخورد مستمر و سازنده در ارتقای عملکرد و انگیزه افراد؛ بازخورد شفاف و کاربردی می‌تواند به تقویت تعهد و تمرکز افراد در انجام وظایف منجر شود.
ارزیابی و نظارت مشارکتی	استرلا و گاونتا (۱۹۹۸)	تأکید بر مشارکت جوامع محلی در فرایند ارزیابی و نظارت؛ افزایش شفافیت و اثربخشی برنامه‌های توسعه.
توسعه چارچوبی برای ارزیابی اثرات اجتماعی اتحاد دانشگاهی	کورازا و همکاران (۲۰۲۴)	ارائه چارچوبی برای ارزیابی اثرات اجتماعی اتحادهای دانشگاهی بر جامعه، اقتصاد و فرهنگ.
نقش ارزیابی‌های چندبعدی در پایداری برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی	کلن و همکاران (۲۰۲۰)	ارزیابی‌های چندبعدی که تمامی ابعاد توسعه را به‌طور هم‌زمان در نظر می‌گیرند، می‌توانند نقشی کلیدی در تضمین پایداری بلندمدت پروژه‌ها ایفا کنند. این رویکرد نه تنها کیفیت تصمیم‌گیری و اثربخشی برنامه‌ها را افزایش می‌دهد، بلکه مشارکت فعال جوامع محلی و هم‌افزایی میان ذی‌نفعان را تسهیل می‌کند.
بررسی چالش‌های توسعه پایدار در ایران	رجب‌پور (۱۴۰۳)	تحلیل توسعه ایران از سال ۱۳۸۲ به بعد؛ تأکید بر لزوم تغییر در نگرش به توسعه و عدالت اجتماعی برای دستیابی به توسعه پایدار و ارائه چارچوب عدالت‌محور.
بررسی و تحلیل برنامه‌های پنج‌ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران	سلطانی (۱۴۰۲)	تأکید بر اهمیت ارزیابی‌پذیری در تدوین برنامه‌ها؛ مشکلات در تدوین و نیاز به ارزیابی‌های منظم برای بهبود اجرای برنامه‌ها.
تحلیل انتقادی برنامه‌های توسعه ایران در نسبت با اهداف کلان توسعه پایدار	سلطانی و همکاران (۱۴۰۰)	تأکید بر ضعف در نظام ارزیابی و فقدان ضمانت اجرایی در تحقق اهداف توسعه پایدار؛ تمرکز بر شاخص‌های کمی و اقتصادی به‌جای ابعاد اجتماعی و زیست‌محیطی.
طراحی الگوی توسعه‌ی اقتصادی- اجتماعی ایران با رهیافت فراترکیب	عبدلی (۱۴۰۱)	تأکید بر مفهوم «حق توسعه» و بررسی رابطه میان جامعه و حاکمیت؛ ضعف در اجرای الگوهای توسعه و لزوم مشارکت جامعه در تعیین مسیر توسعه
تحلیل چالش‌های مرحله تدوین سیاست در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه ایران	کمالی و همکاران (۱۴۰۰)	شناسایی موانع ساختاری در تدوین سیاست‌ها؛ تأکید بر لزوم بازاندیشی در طراحی نهادی و تقویت مشارکت ذی‌نفعان در فرایند برنامه‌ریزی.
ارزیابی پایداری اجتماعی در برنامه‌های توسعه ایران بر پایه چارچوب توسعه پایدار استراتژیک (FSSD)	فرزانه (۱۳۹۹)	توجه به ابعاد اجتماعی و سرمایه اجتماعی در برنامه‌های توسعه؛ نقد فقدان سازوکارهای اجرایی و ضعف در تحقق اهداف اجتماعی.
مقایسه توسعه اجتماعی در برنامه‌های پنج‌گانه عمرانی و توسعه در قیل و بعد از انقلاب اسلامی ایران	قوئی سفیدسنگی علی و همکاران (۱۳۹۹)	تحلیل روند توجه به ابعاد اجتماعی در اسناد توسعه قیل و بعد از انقلاب؛ چالش‌های اساسی در تحقق توسعه اجتماعی پایدار.
ارزیابی سیاست‌گذاری عمومی در نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای نظریه حکمرانی خوب	رضایی قادی و شیرخانی (۱۳۹۹)	بررسی انطباق سیاست‌های عمومی ایران با شاخص‌های حکمرانی خوب؛ تأکید بر ضرورت تقویت جامعه مدنی و نهادینه‌سازی قانون‌گرایی.
طراحی الگوی نظام مدیریت یکپارچه توسعه پایدار در ایران	الوانی و همکاران (۱۳۹۷)	تأکید بر ضرورت هماهنگی و انسجام نهادی میان دستگاه‌های دولتی برای تحقق اهداف توسعه پایدار؛ نیاز به ارتقای حکمرانی توسعه پایدار و توجه به سازوکارهای عملیاتی ارزیابی برای یادگیری و پاسخ‌گویی.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با هدفی کاربردی انجام شده است. در مرحله اول، به بررسی مفهوم «ارزیابی برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» پرداخته و یک جستجوی جامع برای تحلیل مطالعات موجود در این حوزه صورت گرفته است.

مرحله اول - جستجوی جامع

گام نخست در این مرحله از پژوهش شامل جستجوی ادبیات با مجموعه‌ای از مفاهیم است به‌طوری‌که تمام مطالعات مربوط به برنامه‌های توسعه و ارزیابی برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی براساس دسترسی محققان در نظر گرفته شده است. بیش از ۳۰ نشریه از سال ۲۰۲۵-۱۹۷۶ براساس کلمات کلیدی «توسعه^۱»، «برنامه توسعه^۲»، «برنامه میان‌مدت^۳»، «ارزیابی برنامه توسعه^۴»، «ارزیابی برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۵» و «ارزیابی برنامه‌های ملی توسعه^۶» شناسایی شد که این کلمات کلیدی نشان‌دهنده ارتباط این نشریات با مفهوم ارزیابی برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.

در گام بعد، با کمک نرم‌افزار VOSviewer نقشه علم‌سنجی حوزه ترسیم شد تا ساختار دانش و ارتباطات میان اسناد آشکار گردد.

مرحله دوم - ترسیم نقشه علم سنجی با استفاده از نرم‌افزار ویس ویور^۷

این مرحله به مصورسازی اطلاعات اختصاص یافت که به درک ساختارها و روابط میان اسناد کمک می‌کند. این نرم‌افزار برای ایجاد و مصورسازی شبکه‌های کتاب‌سنجی و تولید نقشه‌های مبتنی بر داده‌های شبکه، طراحی شده است. ویس ویور، قابلیت استخراج ارتباطات میان متون و داده‌ها را دارد و می‌تواند اطلاعات را از منابع مختلف جمع‌آوری و به تصویری قابل فهم تبدیل کند. داده‌ها می‌توانند از پایگاه‌های داده علمی مانند وب آو ساینس^۸ و اسکوپوس^۹ استخراج شوند و به‌عنوان ورودی به ویس ویور وارد گردند (کومار^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۴).

در این پژوهش، متون مرتبط با «ارزیابی برنامه توسعه»، «ارزیابی برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» و «برنامه‌های ملی توسعه» که بین سال‌های ۱۹۷۶ تا ۲۰۲۵ منتشر شده‌اند، در

پایگاه‌های داده وب آو ساینس و اسکوپوس بررسی شدند. برای شناسایی نشریات مرتبط، از کلیدواژه‌های مشخص استفاده شد و اطلاعات اسنادی شامل سال انتشار، زبان، مجله، عنوان، نویسنده و دیگر جزئیات به فرمت CSV استخراج گردید. سپس از نرم‌افزار ویس ویور برای تحلیل هم‌نویسندگی^{۱۱}، هم‌رخدادی، استناد^{۱۲} و مضامین استفاده شد و دو ویژگی وزن استاندارد به‌عنوان «ویژگی پیوندها^{۱۳}» و «ویژگی قدرت پیوند کل^{۱۴}» اعمال شد.

در نهایت، با استفاده از روش‌های متن‌کاوی و پردازش زبان طبیعی، داده‌های گردآوری شده تحلیل شد تا الگوها و دانش پنهان موجود در اسناد استخراج شود.

مرحله سوم - متن کاوی

فاز سوم این پژوهش به متن‌کاوی^{۱۵} اختصاص داشت. گسترش منابع دیجیتال، دسترسی به اسناد متنی را تسهیل کرده است ولی از سوی دیگر استخراج دانش از پایگاه‌های داده متنی را به چالشی جدی تبدیل کرده، چرا که بسیاری از اسناد، استانداردهای زبان طبیعی را رعایت نمی‌کنند. به دلیل حجم بالای اطلاعات، امکان تجزیه و تحلیل دستی داده‌ها وجود ندارد و بنابراین استفاده از نرم‌افزارهای خودکار برای تحلیل و سازمان‌دهی اطلاعات ضروری است. افزایش تقاضا برای دستیابی به دانش از اسناد متنی، اهمیت متن‌کاوی را دوچندان می‌کند (کوماری^{۱۶} و همکاران، ۲۰۲۱).

در فاز سوم (مرحله متن‌کاوی)، پژوهشگر به سراغ پردازش و تحلیل محتوای متنی مجموعه داده‌ای بزرگ رفت که در فازهای قبلی جمع‌آوری و آماده شده بود. به‌طور خاص، کارهای اصلی انجام شده در این مرحله عبارتند از:

۱. پیش‌پردازش متون: ابتدا متون خام جمع‌آوری شده که اغلب غیراستاندارد، نامنظم و پر از آشفتگی بودند (مانند اشتباهات املایی، ساختارهای دستوری شکسته، نشانه‌گذاری‌های نادرست)، تحت فرایندهای پیش‌پردازش قرار گرفتند. این فرایندها شامل مواردی مانند:

- ◀ پاک‌سازی داده‌ها: حذف کاراکترها و علائم غیرضروری.
- ◀ عادی‌سازی: استانداردسازی شکل کلمات (مثلاً تبدیل اعداد به حروف، یکسان‌سازی فرمت‌ها).
- ◀ توکن‌سازی: شکستن متن به واحدهای کوچکتر مانند کلمات و جملات (توکن).

1. Development
2. Development Program
3. Mid-term program
4. Evaluation of Development Program
5. Evaluating Economic, Social, And Cultural Development Programs
6. Evaluation of National Development Programs
7. Vosviewer
8. Web of Science
9. Scopus
10. Kumar

11. Co-authorship analysis
12. Citation analysis
13. Links Attribute
14. Total Link Strength Attribute
15. Text minig
16. Kumar

حذف ایست‌واژه‌ها: حذف کلمات پرتکرار و بدون بار معنایی خاص (مانند حروف ربط، اضافه و...).

ریشه‌یابی: کاهش کلمات به ریشه یا صورت اصلی آنها
۲. استخراج ویژگی و ساخت مدل: پس از آماده‌سازی داده‌ها، با استفاده از الگوریتم‌ها و تکنیک‌های پردازش زبان طبیعی و یادگیری ماشین، ویژگی‌های معنادار از متون استخراج شد. این مرحله ممکن است شامل موارد زیر بوده باشد:

ایجاد مدل‌های بردارسازی کلمات: مانند استفاده از TF-IDF یا Word Embeddings (مانند Word2Vec، FastText) برای تبدیل کلمات به اعداد و بردارهایی که برای کامپیوتر قابل درک و پردازش باشند.

دسته‌بندی متون: طبقه‌بندی خودکار اسناد به دسته‌های از پیش تعریف شده (مثلاً شناسایی اسناد مرتبط با یک موضوع خاص).

خوشه‌بندی متون: گروه‌بندی خودکار اسناد مشابه بدون داشتن برچسب از پیش تعیین شده.

استخراج موضوع: استفاده از تکنیک‌هایی مانند LDA (تخصیص دیریکله نهفته) برای کشف موضوعات اصلی و پرتکرار در بین انبوه اسناد.

تحلیل احساسات: تعیین کردن احساس یا نگرش موجود در متن (مثلاً مثبت، منفی یا خنثی).

۳. تحلیل و استخراج دانش: در نهایت، خروجی مدل‌های خودکار تحلیل شده و الگوها، روندها، روابط و بینش‌های جدید (دانش) از درون پایگاه داده متنی استخراج شد. این دانش می‌تواند به صورت گزاره‌ها، گراف‌های دانش، خلاصه‌های خودکار یا آمارهای کلیدی ارائه شود.

در این فاز، به جای خواندن دستی هزاران سند، از نرم‌افزارهای هوشمند و خودکار برای خواندن، درک، دسته‌بندی و تحلیل آن اسناد استفاده کردند تا بتوانند الگوها و دانش پنهان درون آنها را که با روش‌های سنتی قابل کشف نبود، استخراج و سازمان‌دهی کنند. این کار دقیقاً برای پاسخگویی به چالش مطرح شده در پاراگراف (حجم بالای داده و غیراستاندارد بودن متون) انجام شده است.

پیش‌پردازش متون

این مرحله شامل تبدیل متون به داده و تجزیه آن‌ها به کلمات می‌باشد. در این فرایند، کلمات متداول حذف شده و کلمات با ریشه‌های مشابه به شکل مختصر در می‌آیند. همچنین، تفاوت بین حروف بزرگ و کوچک نادیده گرفته می‌شود و کلمات تکراری به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرند. در پایان، کلمات خاص استخراج شده و با استفاده از فیلترهای معنایی مورد تحلیل قرار می‌گیرند (فرهادیان و همکاران، ۱۴۰۲).

بهره‌گیری از ابزارهای ویانت^۱

ابزارهای ویانت یک مجموعه ابزار وب دیجیتال در علوم انسانی است که به تجزیه و تحلیل اسناد متنی می‌پردازد و قابلیت تحلیل همزمان چند سند را دارد و مخاطبان اصلی آن دانشجویان و پژوهشگران علوم انسانی هستند.

ویانت می‌تواند به ایجاد سرفصل‌های موضوعی، کلمات کلیدی و توضیحات کمک کند و یکی از ویژگی‌های اصلی آن استخراج کلمات تکراری در اسناد و نمایش آن‌ها در نمودارهای مختلف است. این کلمات می‌توانند به‌عنوان کلمات کلیدی یا موضوعات مورد استفاده قرار گیرند (گریگوری، گایگر و سالزبری، ۲۰۲۲). در پژوهش حاضر از ابزار آبرواژه^۲ استفاده شد که به محقق این امکان را می‌دهد تا آبرواژه‌ای ایجاد کند که در آن متداول‌ترین کلمات در مرکز و با بزرگ‌ترین اندازه نمایش داده می‌شوند (هنتی و همکاران، ۲۰۱۹).

یافته‌های پژوهش

این نتایج که از تحلیل اسناد و داده‌های آماری تا ماه فوریه ۲۰۲۵ به‌دست آمده، به تحلیل مفهوم «ارزیابی برنامه‌های توسعه» پرداخته است. این نتایج بر پایه تحلیل مبانی نظری و با تمرکز بر دامنه و حوزه اسناد به‌دست آمده است. در این راستا، توسعه نشریات و مطالعات در طول سال‌ها و عملکرد انتشار براساس استنادها و انواع اسناد مورد بررسی قرار گرفته است. جدول شماره ۲ نشریات مرتبط با «ارزیابی برنامه توسعه»، «برنامه توسعه»، «ارزیابی برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» و «ارزیابی برنامه‌های ملی توسعه» را در سال‌های ۱۹۷۶ تا ۲۰۲۵ براساس معیارهای انتشار، استناد، انتشار به همراه استناد، نسبت استناد میدانی و نسبت استناد نسبی نشان می‌دهد. تمامی این معیارها به‌طور مختصر در قسمت توضیحات جدول ۲ تشریح شده‌اند. همچنین، نمودارهای مربوط به این معیارها در شکل ۲ ارائه شده‌اند.

1. Voyant Tools
2. Gregory et al
3. Word Cloud
4. Hetenyi et al

جدول ۲. اطلاعات اصلی ارائه شده براساس عملکرد انتشار اسناد مورد مطالعه (بررسی میانی نظری فراداده)

سال	معیارها	انتشارات	استناددهی	انتشارات به همراه استناد	نسبت استناد میدانی (میانگین هندسی)	نسبت استناد نسبی (میانگین)
۱۹۷۶	.	.	.	.	.	.
۱۹۷۷	.	.	.	.	.	.
۱۹۷۸	.	.	.	.	.	.
۱۹۷۹	.	.	.	.	.	.
۱۹۸۰	.	.	.	.	.	.
۱۹۸۱	.	.	.	.	.	.
۱۹۸۲	.	.	.	.	.	.
۱۹۸۳	.	.	.	.	.	.
۱۹۸۴	.	.	.	.	.	.
۱۹۸۵	.	.	.	.	.	.
۱۹۸۶	.	.	.	.	.	.
۱۹۸۷	.	.	.	.	.	.
۱۹۸۸	.	.	.	.	.	.
۱۹۸۹	.	.	.	.	.	.
۱۹۹۰	.	.	.	.	.	.
۱۹۹۱	.	.	.	.	.	.
۱۹۹۲	.	.	.	.	.	.
۱۹۹۳	.	.	.	.	.	.
۱۹۹۴	.	.	.	.	.	.
۱۹۹۵	.	.	.	.	.	.
۱۹۹۶	.	.	.	.	.	.
۱۹۹۷	.	.	.	.	.	.
۱۹۹۸	۳	.	.	.	.	.
۱۹۹۹	.	.	.	.	.	.
۲۰۰۰	.	.	.	.	.	.
۲۰۰۱	۱	۱	۱	۱۰۰	۱۴/۰۳	.
۲۰۰۲	.	.	۲	.	.	.
۲۰۰۳	.	.	.	.	.	.
۲۰۰۴	.	.	۲	.	.	.
۲۰۰۵	۱	.	.	۱۰۰	۰/۴۳	.
۲۰۰۶	۱	۱	۱	۱۰۰	۰/۳۵	.
۲۰۰۷	۳	۱	۱	۱۰۰	۰/۶۳	۰/۲۲
۲۰۰۸	۱	۵	۵	۱۰۰	۰/۱۷	.
۲۰۰۹	۱	۶	۶	۱۰۰	۲۱/۸۷	.
۲۰۱۰	.	۸	۸	.	.	.
۲۰۱۱	۳	۳	۳	۱۰۰	۲/۴۷	۱/۲۳
۲۰۱۲	.	۲	۲	.	.	.
۲۰۱۳	.	۱۳	۱۳	.	.	.
۲۰۱۴	.	۱۵	۱۵	.	.	.
۲۰۱۵	۱	۲	۲	۱۰۰	۳/۷۶	۱/۰۵
۲۰۱۶	۲	۱۰	۱۰	۱۰۰	۲/۰۸	۰/۵۷
۲۰۱۷	.	۱۲	۱۲	.	.	.
۲۰۱۸	۲	۱۲	۱۲	۱۰۰	۱/۴۵	.

ادامه جدول ۲. اطلاعات اصلی ارائه شده براساس عملکرد انتشار اسناد مورد مطالعه (بررسی میانی نظری فراداده)

معیارها سال	انتشارات	استناددهی	انتشارات به همراه استناد	نسبت استناد میدانی (میانگین هندسی)	نسبت استناد نسبی (میانگین)
۲۰۱۹	۲	۲۰	۱۰۰	۰/۷۴	۰
۲۰۲۰	۰	۱۸	۰	۰	۰
۲۰۲۱	۲	۳۶	۵۰	۱/۶۵	۰
۲۰۲۲	۵	۲۲	۲۰	۰/۴۳	۰
۲۰۲۳	۲	۲۹	۵۰	۱/۲۰	۰
۲۰۲۴	۲	۲۹	۰	۰	۰
۲۰۲۵	۰	۱	۰	۰	۰

توضیحات

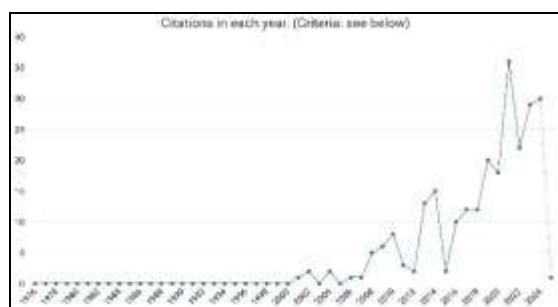
انتشارات: تعداد انتشارات مربوط به جستجو است. نمای تحلیلی تعداد کل انتشارات مرتبط را نشان می‌دهد.
استناد: استناد به انتشارات تعداد دفعاتی است که یک نشریه توسط سایر انتشارات در پایگاه داده استناد شده است.
انتشارات با استناد: انتشارات با استناد تعداد انتشاراتی با حداقل X استناد یا انتشاراتی است که هنوز مورد استناد قرار نگرفته‌اند.

نسبت استنادی میدانی (FCR): نسبت استنادی میدانی (FCR) نشان‌دهنده عملکرد نسبی استناد یک نشریه در مقایسه با مقالات مشابه با سن مشابه در حوزه موضوعی آن است.
 توجه: میانگین جهانی FCR بالاتر از یک سال قبل است؛ بنابراین، مقایسه FCR در طول سال‌ها ممکن است قابل اعتماد نباشد.

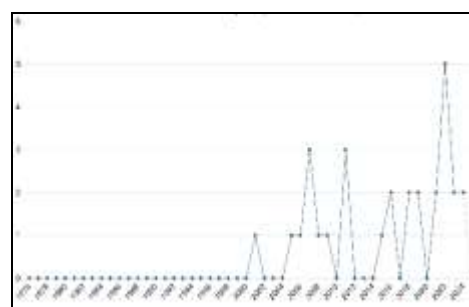
نسبت استناد نسبی (RCR): نسبت استنادی نسبی (RCR) عملکرد نسبی استناد یک نشریه را هنگام مقایسه میزان استناد آن با سایر انتشارات در حوزه تحقیق آن نشان می‌دهد.

همان‌طور که در جدول ۲ و نمودارهای ۱ تا ۷ مشاهده می‌شود، بیشترین تعداد مقالات منتشر شده در حوزه ارزیابی برنامه توسعه مربوط به سال ۲۰۲۲ با ۵ مقاله است. همچنین، بیشترین میزان استناد در سال ۲۰۲۱ با ۳۶ استناد ثبت شده و بالاترین میزان انتشار به همراه استناد در سال ۲۰۱۹ با ۱۰۰

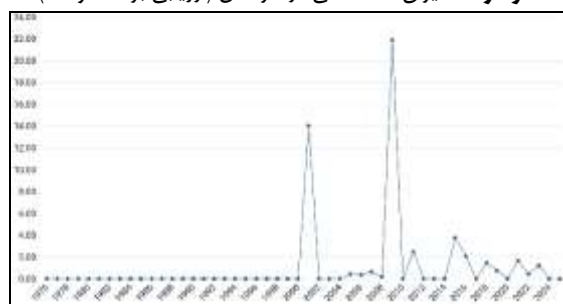
درصد مشاهده می‌شود. در سال ۲۰۰۹، بیشترین استناد میدانی با ۲۱/۸۷ درصد و در سال ۲۰۱۱، نسبت استناد نسبی با ۱/۲۳ درصد گزارش شده است. این آمارها نشان‌دهنده اهمیت موضوع ارزیابی برنامه‌های توسعه در این سال‌ها است.



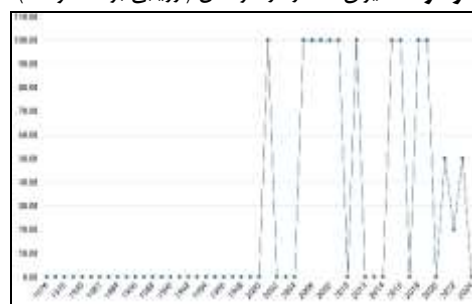
نمودار ۲. میزان استناددهی در هر سال (ارزیابی برنامه توسعه)



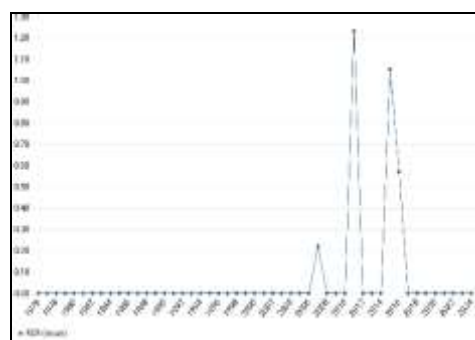
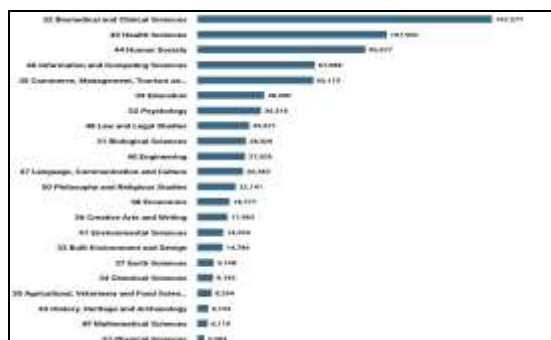
نمودار ۱. میزان انتشار در هر سال (ارزیابی برنامه توسعه)



نمودار ۴. نسبت استناد میدانی (ارزیابی برنامه توسعه)

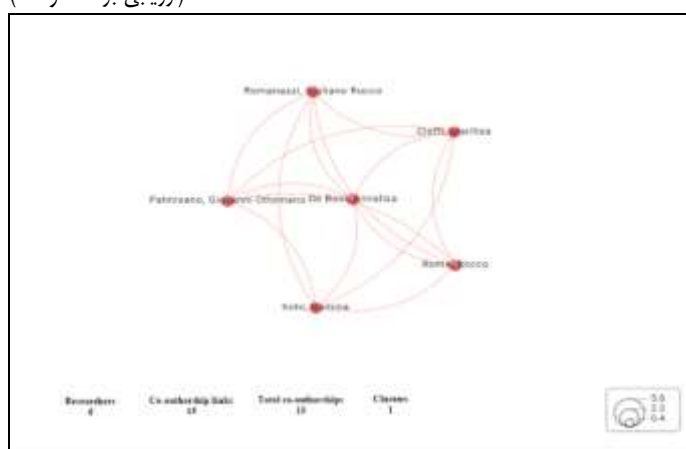


نمودار ۳. انتشارات به همراه استناد (ارزیابی برنامه توسعه)



نمودار ۶. تعداد انتشارات در هر طبقه پژوهش (ارزیابی برنامه توسعه)

نمودار ۵. نسبت استناد نسبی (ارزیابی برنامه توسعه)



نمودار ۷. ارتباط پژوهشگران براساس تعداد انتشارات مشترک (ارزیابی برنامه توسعه)

همچنین نمودار ۷ نمایانگر آن است که نویسندگانی همچون رومانائزی^۱، جولیانو روکا^۲، پالمیسانو^۳، جیوانیو^۴، سوفی و مارلیسا^۵، دیونی و آنالیسا^۶، روما، راکو^۷ و کوتو، رومینا^۸ در حوزه پژوهش مطالعه‌های بیشتری داشته‌اند.

نتایج مربوط به نرم‌افزار وس ویور (هم‌نویسندگی)

شاخص هم‌نویسندگی^۹ به معنای همکاری نویسندگان یک مقاله در چندین اثر علمی است. به عبارت دیگر، هم‌نویسندگی به مشارکت دو یا چند نویسنده در تولید یک اثر اشاره دارد که کیفیت آن بیشتر از انتشار فردی است. این شاخص به محققان کمک می‌کند تا روابط بین نویسندگان در یک حوزه خاص را درک کرده و همکاران بالقوه را شناسایی کنند. در این پژوهش،

تجزیه و تحلیل هم‌نویسندگی در ارتباط با ۲۵ هزار، ۵۰ هزار و ۱۰۰ هزار نویسنده در حوزه پژوهش در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

نتایج مرتبط با نرم‌افزار وس ویور (هم‌استنادی نویسندگان)

شاخص هم‌استنادی نویسندگان^{۱۰} به تحلیل ارتباط هم‌استنادی بین دو مقاله‌ای می‌پردازد که هر دو به یک مقاله سوم ارجاع داده‌اند. این ارتباط می‌تواند در شناسایی نویسندگان برجسته مؤثر باشد و به محققان تازه‌کار در درک بهتر مبانی و پیشرفت‌های این حوزه، شناسایی نقاط کلیدی تحقیق و همچنین ارائه اطلاعات کتاب‌سنجی کمک کند.

1. Romanazzi
2. Giuliano Rocca
3. Palmisano
4. Giovannio
5. Cioffi & Marilisa
6. De Boni & Annalisa
7. Roma & Racco
8. Koto & Romina
9. Co- Authorship

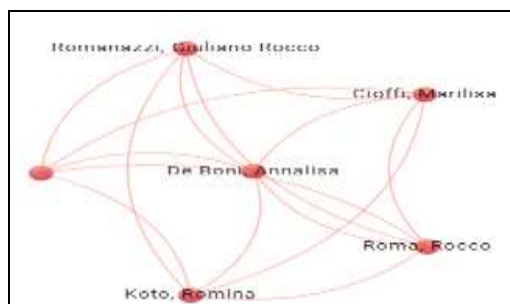
10. Citation Analysis

جدول ۳. تجزیه و تحلیل شاخص هم‌نویسندگی و هم‌استنادی نویسندگان

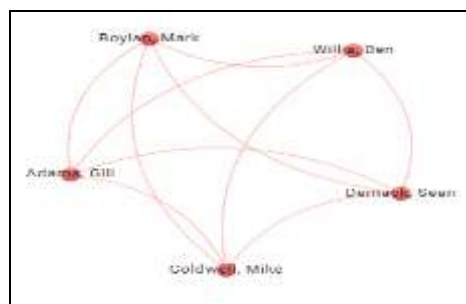
شاخص‌ها	۲۵ هزار نویسنده	۵۰ هزار نویسنده	۱۰۰ هزار نویسنده
تعداد محققان	۵	۶	۶
ارتباط هم‌نویسندگی	۱۰	۱۵	۱۵
ارتباط هم‌نویسندگی کل	۱۰	۱۵	۱۵

برای شاخص هم‌نویسندگی نشان می‌دهد.

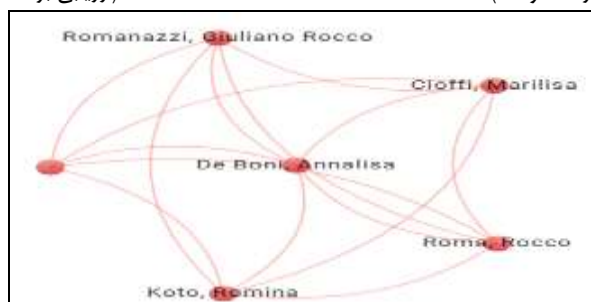
همچنین نمودارهای ۸ تا ۱۰ خروجی نرم‌افزار وس ویور را



نمودار ۹. شاخص هم‌نویسندگی برای ۵۰ هزار نویسنده (ارزیابی برنامه توسعه)



نمودار ۸. شاخص هم‌نویسندگی برای ۲۵ هزار نویسنده (ارزیابی برنامه توسعه)



نمودار ۱۰. شاخص هم‌نویسندگی برای ۱۰۰ هزار نویسنده (ارزیابی برنامه توسعه)

نمودار ۸، شاخص هم‌نویسندگی برای ۲۵ هزار نویسنده دربارهٔ ارزیابی برنامه توسعه را نشان می‌دهد. در این معیار ۱ خوشه مشاهده می‌شود که با رنگ قرمز نشان داده شده است. در این خوشه نویسندگانی نظیر بولان و مارک^۱، ویلیس و بن^۲، آدامز و گیل^۳، دمک و سین^۴، کولدول و مایک^۵ وجود دارد که مطالعات در یک حوزه مشترک انجام داده‌اند. در نمودار ۹ شاخص هم‌نویسندگی برای ۵۰ هزار نویسنده (ارزیابی برنامه توسعه) و در نمودار ۱۰ شاخص هم‌نویسندگی برای ۱۰۰ هزار نویسنده

نشان داده شده است.

نتایج مربوط به متن‌کاوی (ابزار ویانت)

نتایج حاصل از متن‌کاوی با استفاده از ابزار ویانت نشان می‌دهد که هنگام به کارگیری ابزار آبرواژه، یک لیست پیش‌فرض از کلمات توقف (حذف کلمات پرتکرار و بدون بار معنایی خاص (مانند حروف ربط، اضافه و...)) وجود دارد که شامل رایج‌ترین واژه‌هاست و سایر کلمات باقی‌مانده عمدتاً اسم هستند. با این حال، تفسیر آبرهای کلمات نیاز به احتیاط دارد، زیرا این آبرها نمی‌توانند به درستی هم‌مکانی، هم‌رخدادی یا تغییرات احتمالی معنایی را نمایش دهند. این تحلیل بر مبنای کلمات کلیدی انجام می‌شود. نمودار ۱۱، آبرواژه ارزیابی

1. Boylan & Mark
2. Willis & Ben
3. Adams & Gill
4. Demack & Sean
5. Coldwell & Mike

برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نمایش می‌دهد. در این آبرواژه، تمامی کلمات کلیدی یا ۱۰۰ مورد پرکاربرد در نظر گرفته شده‌اند که شامل کلماتی مانند توسعه با فراوانی (۸۹۵ کلمه)، ارزیابی (۶۳۲) کلمه، اقتصادی (۳۱۰)،

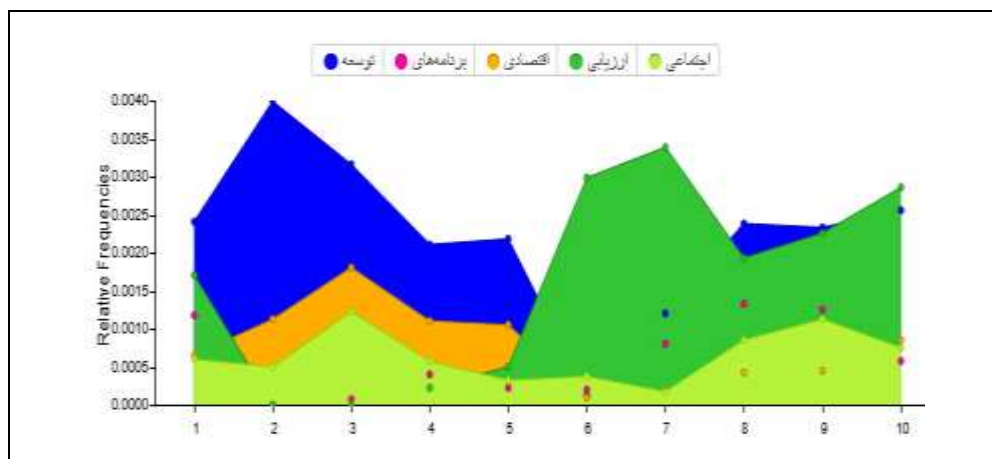
اجتماعی (۲۶۰) و ... است. این کلمات از بیشترین فراوانی در مطالعات مربوط به ارزیابی برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخوردارند.



نمودار ۱۱. آبر واژه ارزیابی برنامه‌های توسعه

همچنین در نمودار ۱۲، نمودار فراوانی نسبی واژه‌های پرتکرار اسناد ارزیابی برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

را نشان می‌دهد.



نمودار ۱۲. فراوانی نسبی واژه‌های پرتکرار اسناد ارزیابی برنامه‌های توسعه اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

همان‌طور که در نمودار ۱۲ مشاهده می‌شود، بیشترین فراوانی در نمودار فراوانی نسبی مربوط به واژه توسعه با فراوانی (۸۹۵ کلمه) و ارزیابی با فراوانی (۶۳۲) کلمه است.

چهار خوشه اصلی (شفافیت و حکمرانی خوب، تحلیل و فناوری، مشارکت و جامعه مدنی، و ارزیابی و خط‌مشی‌گذاری) براساس تحلیل سیستماتیک داده‌های متنی و هم‌رخدادی کلیدواژه‌ها استخراج شده‌اند. روش‌شناسی پژوهش شامل مراحل زیر بود:

۱. تحلیل کتاب‌سنجی: با استفاده از نرم‌افزار VOSviewer، ارتباطات بین کلیدواژه‌ها و مفاهیم مرتبط با ارزیابی برنامه‌های توسعه بررسی شد.

۲. متن‌کاوی: ابزار Voyant Tools برای شناسایی پرتکرارترین مفاهیم و ارتباطات معنایی بین آنها به کار گرفته شد.

۳. خوشه‌بندی: براساس تجمع خودکار کلیدواژه‌ها و مفاهیم مرتبط، چهار خوشه اصلی شناسایی و تفسیر شدند.

این روش‌ها اگرچه کمی‌تر از تحلیل مضمونی سنتی هستند، اما با توجه به حجم گسترده داده‌ها و نیاز به

عینیت‌بخشیدن به نتایج، انتخاب شدند. این رویکرد مشابه مطالعاتی است که از متن‌کاوی برای استخراج مضامین کلیدی در تحقیقات علوم اجتماعی استفاده می‌کنند (مثال: چن، ۲۰۱۲؛ وایت، ۲۰۰۹).

در نهایت ۴ خوشه اصلی شفافیت و حکمرانی خوب با ابعاد (شفاف‌سازی تأثیرات، نظارت مستقل، شفافیت دولتمردان و جلوگیری از فساد و ناکارآمدی‌ها)، تحلیل فناوری (تحلیل داده‌محور، نقش فناوری، داده‌کاوی، شبیه‌سازی و سامانه‌های آنلاین)، مشارکت و جامعه مدنی با ابعاد (نقش مردم، اجماع جامعه، مطالبه‌گری عمومی و نظارت مشارکتی) و ارزیابی خط‌مشی‌گذاری با ابعاد (برنامه‌ریزی دقیق، سیاست‌های بالادستی، فرآیند سیستماتیک ارزیابی و تدوین گزارش‌های تلفیقی است)، استخراج شد. این چهار خوشه به صورت مکمل عمل کرده و در کنار یکدیگر به بهبود شفافیت و حکمرانی خوب کمک می‌کنند. شفافیت اطلاعات، استفاده از فناوری، مشارکت عمومی و ارزیابی مستمر خط‌مشی‌ها، همگی در راستای توسعه پایدار اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی قرار دارند. هرچه دولت‌ها در اجرای این اصول موفق‌تر عمل کنند، اعتماد عمومی و کارآمدی سیستم حکمرانی افزایش خواهد یافت.

این پژوهش با ترکیب روش‌های کمی و کیفی (کتاب‌سنجی و متن‌کاوی) سعی کرده است تا حد ممکن به مؤلفه‌های جامع و مانع نزدیک شود. هرچند روش‌های کیفی مانند تحلیل مضمون یا مصاحبه می‌توانند عمق بیشتری به

نتایج بدهند، اما روش‌های کمی استفاده‌شده در این پژوهش نیز قابلیت شناسایی الگوهای کلیدی را دارند. به‌ویژه، این روش‌ها برای تحلیل حجم انبوهی از متون علمی و استخراج مؤلفه‌های پرتکرار مناسب هستند. برای تکمیل نتایج، در پژوهش‌های آتی می‌شود از ترکیب روش‌های کیفی (مانند مصاحبه با خبرگان) و کمی استفاده شود تا هم عمق و هم وسعت کار توسعه یابد. این پژوهش با تکیه بر روش‌های نوین تحلیل داده‌های متنی، مؤلفه‌های کلیدی سیستم ارزیابی برنامه‌های توسعه را شناسایی کرده است. اگرچه روش‌های جایگزین مانند تحلیل مضمون نیز می‌توانند مفید باشند، اما روش انتخابی این پژوهش با توجه به اهداف و محدوده آن، معتبر و قابل دفاع است.

یافته‌های این پژوهش که با بهره‌گیری از روش‌های کتاب‌سنجی و متن‌کاوی انجام شد، چهار خوشه‌ی اصلی شامل: شفافیت و حکمرانی خوب، تحلیل و فناوری، مشارکت و جامعه مدنی و ارزیابی خط‌مشی‌گذاری را آشکار ساخت. هر یک از این خوشه‌ها ابعادی از قبیل شفاف‌سازی اثرات، تحلیل داده‌محور، نظارت مشارکتی و ارزیابی نظام‌مند را در بر می‌گیرد و در تعامل با یکدیگر به ارتقای شفافیت، افزایش پاسخ‌گویی و بهبود کارآمدی نظام حکمرانی یاری می‌رسانند. این یافته‌ها بیانگر آن است که حرکت از ارزیابی‌های کمی و شکلی به‌سوی رویکردهای سیستمی، داده‌محور و یادگیرنده، شرط لازم برای تحقق حکمرانی توسعه‌گرا در ایران است. شکل ۱، خوشه‌های سیستم ارزیابی برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد.



شکل ۱. خوشه‌های سیستم ارزیابی برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران

در ادامه به تحلیل درباره هر یک از خوشه‌های مستخرج از پژوهش و مقایسه آن با مطالعه‌های همگرا و واگرا پرداخته می‌شود.

خوشه شفافیت و حکمرانی خوب

این خوشه ابعادی نظیر شفاف‌سازی تأثیرات، نظارت مستقل، پاسخ‌گویی دولت‌مردان و مقابله با فساد و ناکارآمدی را در بر می‌گیرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که نظام ارزیابی کارآمد بدون دسترسی آزاد به داده‌ها و ایجاد بسترهای نظارتی مستقل قابل تحقق نیست. به‌ویژه، شفافیت در تصمیم‌گیری، انتشار داده‌های عملکردی و حضور رسانه‌های آزاد، زمینه‌ساز ارتقای اعتماد عمومی و کاهش فساد اداری است. از منظر توسعه اقتصادی، شفافیت مالی منجر به تخصیص بهینه‌ی منابع و افزایش بهره‌وری می‌شود؛ از بُعد فرهنگی، توزیع عادلانه‌تر حمایت‌های فرهنگی را تسهیل می‌کند؛ و از حیث اجتماعی، عدالت در خدمات عمومی و تقویت سرمایه‌ی اجتماعی را به دنبال دارد. این نتایج با دیدگاه‌های استرلا و گاونتا (۱۹۹۸) و پژوهش‌های داخلی نظیر رضایی‌قادی و شیرخانی (۱۳۹۹) هم‌سو است و نشان می‌دهد که شفافیت، رکن نخست حکمرانی توسعه‌گرا در ایران است.

خوشه تحلیل و فناوری

این خوشه بر نقش ابزارهای فناورانه در ارتقای نظام ارزیابی تأکید دارد. فناوری‌های نوین همچون داده‌کاوی، شبیه‌سازی، هوش مصنوعی و سامانه‌های مدیریتی هوشمند امکان رصد لحظه‌ای، تحلیل پیش‌بینی‌کننده و اصلاح سریع سیاست‌ها را فراهم می‌آورند. یافته‌ها نشان دادند که فناوری نه تنها ابزار جمع‌آوری داده، بلکه عامل توانمندساز در تصمیم‌سازی مبتنی بر شواهد است. به‌کارگیری فناوری‌های تحلیلی موجب شناسایی الگوهای پنهان ناکارآمدی، کاهش خطای انسانی و بهبود دقت در گزارش‌های ارزیابی می‌شود. این خوشه هم‌راستا با مطالعات شین و همکاران (۲۰۲۳) و ویلیامز و همکاران (۲۰۲۴) و ایوب‌الوحید و همکاران (۲۰۲۴) است و نشان می‌دهد که فناوری‌های هوشمند، پیوند میان علم داده و سیاست‌گذاری توسعه را تقویت می‌کنند.

خوشه مشارکت و جامعه مدنی

در این خوشه، نقش فعال جامعه مدنی، نهادهای مردمی و شهروندان در فرایند ارزیابی و نظارت بر سیاست‌ها مورد توجه قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که نظام ارزیابی بدون مشارکت عمومی از مشروعیت، جامعیت و کارآمدی لازم برخوردار نخواهد بود. سازوکارهایی نظیر بودجه‌ریزی مشارکتی،

سامانه‌های گزارش‌دهی مردمی و نظرسنجی‌های عمومی می‌توانند شفافیت و پاسخ‌گویی نهادهای اجرایی را افزایش دهند. در بُعد اقتصادی، مشارکت مردم به تخصیص عادلانه‌تر بودجه منجر می‌شود؛ در بُعد فرهنگی، به ارتقای آگاهی جمعی کمک می‌کند؛ و در بُعد اجتماعی، اعتماد عمومی به ساختارهای حکمرانی را تقویت می‌سازد. این یافته‌ها با دیدگاه‌های مرتنز و ویلسون (۲۰۱۸)، کلمن و همکاران (۲۰۲۰) و نیز مطالعات بومی مانند الوانی و همکاران (۱۳۹۷) همخوانی دارد.

خوشه ارزیابی و خط‌مشی‌گذاری نظام‌مند

این خوشه بر ضرورت پیوند میان ارزیابی و سیاست‌گذاری در قالب فرایندی چرخه‌ای، پویا و بازخوردگرا تأکید دارد. براساس یافته‌ها، ارزیابی باید نه تنها ابزار سنجش، بلکه سازوکار یادگیری نهادی و اصلاح سیاست‌ها باشد. تدوین سیاست‌های بالادستی مبتنی بر داده، ارزیابی نظام‌مند و گزارش‌دهی تلفیقی از مؤلفه‌های اصلی این خوشه به‌شمار می‌آیند. در بُعد اقتصادی، ارزیابی مستمر سیاست‌های حمایتی از بنگاه‌های کوچک به بهبود فضای کسب‌وکار منجر می‌شود؛ در بُعد فرهنگی، تحلیل تأثیر برنامه‌های هنری موجب ارتقای کیفیت آن‌ها می‌شود؛ و در بُعد اجتماعی، ارزیابی مستمر خدمات آموزشی و بهداشتی موجب ارتقای شاخص‌های توسعه انسانی می‌گردد. این یافته‌ها هم‌راستا با دیدگاه‌های ویسنر و همکاران (۲۰۲۴) و استریتین (۱۹۸۱) است و تأکید دارد که ارزیابی مستمر، زیربنای یادگیری سیاستی و کارآمدی نهادی است.

در مجموع، پژوهش حاضر با ترکیب روش‌های داده‌کاوی و تحلیل محتوای سیاستی، الگویی جامع، داده‌محور، مشارکتی و یادگیرنده برای نظام ارزیابی توسعه ایران ارائه می‌کند. این الگو ضمن هم‌راستایی با ادبیات بین‌المللی، واجد نوآوری بومی در پیوند دادن فناوری، شفافیت، مشارکت و خط‌مشی‌گذاری بازخوردی است و می‌تواند مبنای اصلاح ساختار ارزیابی توسعه در کشور قرار گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

تحقق توسعه در ایران نیازمند استقرار نظامی علمی، منسجم و شفاف برای ارزیابی برنامه‌های توسعه است؛ نظامی که بر مبنای داده‌های واقعی، فناوری‌های نوین و مشارکت عمومی عمل کند. نتایج پژوهش نشان داد که مؤلفه‌های شفافیت و پاسخ‌گویی، فناوری تحلیلی، مشارکت اجتماعی و خط‌مشی‌گذاری مبتنی بر یادگیری مستمر باید محور طراحی این نظام باشند.

شفافیت و پاسخگویی

جریان آزاد اطلاعات و انتشار عمومی گزارش‌های عملکرد، پیش‌شرط اعتماد عمومی و ارزیابی دقیق است. ایجاد نهادهای نظارتی مستقل و تدوین استانداردهای ملی گزارش‌دهی می‌تواند کیفیت حکمرانی را بهبود بخشد.

فناوری و تحلیل داده

فناوری‌های نوین مانند داده‌کاوی، شبیه‌سازی و هوش مصنوعی ابزارهایی حیاتی برای ارزیابی پویا و پیش‌بینی روندها هستند. توسعه سامانه‌های هوشمند پایش عملکرد و طراحی مدل‌های تحلیلی چندسطحی از راهکارهای ضروری است.

مشارکت عمومی و نظارت اجتماعی

بدون مشارکت فعال جامعه مدنی و مردم، ارزیابی فاقد مشروعیت و اثربخشی است. تقویت سازوکارهای مشارکتی و ایجاد بسترهای دیجیتال شفافیت و گزارش‌دهی مردمی می‌تواند مشروعیت تصمیم‌گیری‌ها را افزایش دهد.

خط‌مشی‌گذاری مبتنی بر ارزیابی

ارزیابی باید بخشی از چرخه‌ی یادگیری سیاستی باشد. طراحی نهاد مستقل ارزیابی توسعه، تدوین گزارش‌های تلفیقی عملکرد و ارزیابی تطبیقی با کشورهای موفق، موجب اصلاح مستمر سیاست‌ها می‌شود.

پیشنهادهای پژوهش

- بر پایه یافته‌های پژوهش، برای کارآمدسازی نظام ارزیابی توسعه در جمهوری اسلامی ایران، همچنین اقدامات زیر پیشنهاد می‌شود:
- ایجاد نهاد مستقل ارزیابی توسعه با رویکرد فرابخشی و الزام به انتشار عمومی گزارش‌ها؛
- توسعه سامانه‌های هوشمند تحلیل داده و پیش‌بینی عملکرد جهت تشخیص زودهنگام بحران‌ها و خطاهای اجرایی؛
- تقویت نقش دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و جامعه‌ی مدنی در فرایند ارزیابی و سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد؛

- الزام دستگاه‌های اجرایی به انتشار دوره‌ای گزارش‌های عملکردی استاندارد؛
 - طراحی فرایندهای ارزیابی مستمر و تطبیقی، به‌منظور اصلاح برنامه‌ها در طول اجرای آن‌ها؛
 - ایجاد مرکز ملی ارزیابی توسعه، با مأموریت تحلیل داده‌های کلان، انتشار گزارش‌های شفاف و ارائه پیشنهادهای سیاستی مبتنی بر داده؛
 - گسترش سامانه‌های شفافیت و مشارکت عمومی، به‌منظور افزایش مطالبه‌گری و نظارت مردمی؛
 - بهره‌گیری از الگوهای تطبیقی کشورهای موفق، برای بهبود روش‌های ارزیابی و افزایش کارایی نظام نظارت توسعه.
- در نهایت، تنها از طریق یک نظام یکپارچه ارزیابی قوی، مبتنی بر داده، فناوری و مشارکت عمومی، می‌توان اطمینان حاصل کرد که برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مسیر درست اجرا شده است.

سپاسگزاری

این مقاله مستخرج از رساله‌ی دکتری با عنوان «طراحی الگوی یکپارچه ارزیابی برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» است. شایسته می‌دانم از همراهی و راهنمایی صاحب‌نظران حوزه‌های خط‌مشی‌گذاری، ارزیابی و توسعه که در فرآیند داوری علمی این اثر مشارکت داشتند، صمیمانه قدردانی نمایم. همچنین از پشتیبانی‌های علمی و اجرایی نهادهای ذی‌ربط در عرصه‌ی برنامه‌ریزی و ارزیابی کشور، به‌ویژه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و سازمان برنامه و بودجه که انجام این تحقیق را ممکن ساختند، سپاسگزارم. بی‌گمان، دستاوردهای این پژوهش حاصل تعامل و هم‌افزایی اندیشه‌ی استادان، پژوهشگران و متخصصانی است که ارتقای نظام ارزیابی توسعه در ایران را رسالت علمی خود می‌دانند.

References

- Abdoli, N. (2022). Designing a Model of Economic - Social Development of Iran with Metasynthesis Approach. *Governance and Development Journal* (GDJ), 2(2), 55-96. (In Persian) DOI: [10.22111/JIPAA.2023.360595.1076](https://doi.org/10.22111/JIPAA.2023.360595.1076)
- Aghasi-Zadeh, F. (2022). Review and Analysis of the Damages and Challenges of Development Planning in the Past Seventy Years of Iran. Center for Development and Foresight Research, Plan and Budget Organization of Iran. (In Persian)

- Al Wahid, S. A., Mohammad, N., Islam, R., Faisal, M. H., & Rana, M. S. (2024). Evaluation of Information Technology Implementation for Business Goal Improvement under Process Functionality in Economic Development. *Journal of Data Analysis and Information Processing*, 12(2), 304–317. <https://doi.org/10.4236/jdaip.2024.122017>
- Alvani, S.M., Seyed Vakili, R., Kosar, Z., & Asli Beygi, F. (2019). Planning Integrated Management System of the Sustainable Development of the Country. *Human Sciences Development*, 1, 147-178. DOI: [10.22047/hsd.2019.182163](https://doi.org/10.22047/hsd.2019.182163)
- Arvin, M. (1999). Assessing Aid: What Works, What Doesn't, and Why. *The Journal of Development Studies*, 35(6), 162.
- Bamberger, M. (2000). *Integrating quantitative and qualitative research in development projects*. World Bank Publications.
- Bi, X., Yu, B., Buysse, J., & Zou, W. (2024). Quantitative Evaluation of China's Livestock Environmental Regulation Policies Based on the Policy Modeling Consistency Index Model. *Lex Localis-Journal of Local Self-Government*, 22(4), 342–371. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.105062>
- Bolan, R. S. (1967). Emerging views of planning. *Journal of the American Institute of Planners*, 33(4), 233–245. <https://doi.org/10.1080/01944366708977924>
- Bruce, K., Vandelanotte, J., & Gandhi, V. (2025). Emerging Technology and Evaluation in International Development. Artificial Intelligence and Evaluation. *Emerging Technologies and Their Implications for Evaluation*, 13–36. . <https://doi.org/10.4324/9781003512493>
- Canton, H. (2021). *International Fund for Agricultural Development-IFAD*. In *The Europa Directory of International Organizations 2021* (pp. 330–332). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003179900>
- Chen, H. T. (2012). *Theory-driven evaluation: Conceptual framework, application and advancement*. Springer. . https://doi.org/10.1007/978-3-531-19009-9_2
- Chenery, H. B., Schultz, T. P., Srinivasan, T. N., Strauss, J., & Behrman, J. R. (1988). *Handbook of development economics* (Vol. 4). Elsevier.
- Chianca, T. (2008). The OECD/DAC criteria for international development evaluations: An assessment and ideas for improvement. *Journal of Multidisciplinary Evaluation*. 5(9), 41–51. <https://doi.org/10.56645/jmde.v5i9.167>
- Estrella, M., & Gaventa, J. (1998). *Who counts reality? Participatory monitoring and evaluation: A literature review*.
- Gertler, P. J., Martinez, S., Premand, P., Rawlings, L. B., & Vermeersch, C. M. (2016). *Impact evaluation in practice*. World Bank Publications.
- Goldar, Z., Amiri, M., Gholipour Sooteh, R., & Moazami, M. (2017). Designing a conceptual framework for stakeholder engagement in public policy-making. *Journal of Audit Science*, 17(66), 81-106. (In Persian)
- Grindle, M. S. (2017). Politics and policy implementation in the Third World. <https://www.jstor.org/stable/j.ctt1m323qj>
- Hamideh, F. (2019). Social Sustainability Assessment in Iranian Development Programs Based on the Strategic Sustainable Development Framework. *Journal of Applied Studies in Social Sciences and Sociology*, 4(13), 41-55. (In Persian)
- Iman, M. T., & Noshadi, M. R. (2013). *Paradigmatic Evaluation of the Economic, Social, and Cultural Development Plans of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Research Institute of Hawzah and University. (In Persian)
- Issa, L., Mezher, T., & El Fadel, M. (2024). Can network analysis ascertain SDGs interlinkages towards evidence-based policy planning? A systematic critical assessment. *Environmental Impact Assessment Review*, 104, 107295. <https://doi.org/10.1016/j.eiar.2023.107295>
- Kamali, Y. (2023). Identifying and ranking the challenges of evaluating development policies in Iran (five-year development plans). *Majlis and Rahbord*, 30(11), 91-125. (In Persian) DOI: [10.22034/MR.2022.5393.5150](https://doi.org/10.22034/MR.2022.5393.5150)
- Kamali, Y., Sheikhzadeh Jooshani, S., & Hosein Askari, F. (2022). Challenges of Formulation of Development Policies in Iran (Five-year Development Programs).

- Quarterly Journal of Program & Development Research*, 2(8), 95-126. (In Persian)
Doi: [10.22034/pbr.2022.306819.1168](https://doi.org/10.22034/pbr.2022.306819.1168)
- Kashef, M., & Abootalebi, M. (2022). Improving the development planning in Iran. *Program a Development Research*, 3(2), 151-178. (In Persian) DOI: [10.22034/pbr.2022.341274.1220](https://doi.org/10.22034/pbr.2022.341274.1220)
- Kirkpatrick, C. H., & Weiss, J. (1996). *Cost-benefit analysis and project appraisal in developing countries*. Edward Elgar Publishing.
- Krishna, A. (2004). Escaping poverty and becoming poor: Who gains, who loses, and why? *World Development*, 32(1), 121–136. . <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2003.08.002>
- Lerner, R. M. (2018). *Concepts and theories of human development*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203581629>
- Li, Y. (2024). Policy Evaluation and Pathway Optimization for High-Quality Development of National Auditing: A Study Based on Grounded Theory and the PMC Model. *Advances in Economics and Management Research*, 12(1), 570–570. <https://doi.org/10.56028/aemr.12.1.570.2024>
- Madaus, G. F., Scriven, M., & Stufflebeam, D. L. (Eds.). (2012). *Evaluation models: Viewpoints on educational and human services evaluation* (Vol. 6). Springer Science & Business Media.
- Miller, L. (2025). *Integrating Human, Social, and Sustainable Development: An Integrative Approach to Realizing the Goals that Social Action Aims to Achieve*. Ethics International Press.
- Nasri, Z., & Heydarpour, M. (2024). Analysis and evaluation of development programs in Iran from the perspective of human development experts. *International Journal of Nations Research*, 9(97), 7-30. (In Persian)
- Nations, U. (2012). *The millennium development goals report 2012*. Millennium Development Goals Report.
- Nshimiyimana, B., & Rabie, B. (2024). Assessment of the Results-based Monitoring and Evaluation Policy Frameworks in Namibia. *Administratio Publica*, 32(2), 138-163. <https://doi.org/10.61967/adminpub/2024.32.2.9>
- Patton, M. Q. (1997). *Utilization-focused evaluation*. Sage.
- Phillips, J. J., & Phillips, P. P. (2016). *Handbook of training evaluation and measurement methods*. Routledge.
- Qasim, A. W. (2013). United Nations development programme (UNDP). Human development report 2013. *Pakistan Development Review*, 52(1), 95–96.
- Rajabpour, H. (2024). *Unstable Development: The Rise and Fall of Inclusive Development in Iran*. Tehran: Nahadgara (Affiliated with the Institute for Religion and Economy Studies). (In Persian)
- Ranta, E. (2021). Development: A multidimensional concept. In *Research handbook on democracy and development* (pp. 45–59). Edward Elgar Publishing.
- Ravallion, M. (2001). The mystery of the vanishing benefits: An introduction to impact evaluation. *The World Bank Economic Review*, 15(1), 115–140. <https://doi.org/10.1093/wber/15.1.115>
- Rezaei, S. (2015). Iran's Economic Dependence on Oil: Challenges and Strategies for Reduction. *Economic Security*, 20(3), 17–30. (In Persian)
- Rossi, P. H., Lipsey, M. W., & Freeman, H. E. (2003). *Evaluation: A systematic approach*. Sage publications.
- Shadish, W. R., Cook, T. D., & Leviton, L. C. (1991). *Foundations of program evaluation: Theories of practice*. Sage.
- Soltani, A.M. (2023). Evaluability of the National Five-year Development Plans of the Islamic Republic of Iran; The Engine for The Implementation. *Iranian Journal of Public Policy*, 9(2), 128-143. (In Persian) DOI: [10.22059/JPPOLICY.2023.93612](https://doi.org/10.22059/JPPOLICY.2023.93612)
- Streeten, P. (1981). From growth to basic needs. In *Development perspectives* (pp. 323–333). Springer. https://doi.org/10.1007/978-1-349-05341-4_18
- Teymouri, E. (2022). *A Historical Review of Development Paradigms*. Pooyesh-e Fekri-e Towsee (Development Thought Movement). (In Persian)
- Udeh, C. A., Daraojimba, R. E., Odulaja, B. A., Afolabi, J. O. A., Ogedengbe, D. E., & James, O. O. (2024). Youth empowerment in Africa: Lessons for US youth development programs. *World*

- Journal of Advanced Research and Reviews*, 21(1), 1942–1958.
<https://doi.org/10.30574/wjarr.2024.21.1.2479>
- Whitacre, D. (2025). A program evaluation of the new choices workforce development program: An appreciative inquiry approach. *Evaluation and Program Planning*, 108, 102507. <https://doi.org/10.1016/j.evalprogplan.2024.102507>
- White, H. (2009). Theory-based impact evaluation: Principles and practice. *Journal of Development Effectiveness*, 1(3), 271–284. <https://doi.org/10.1080/19439340903114628>